

Citing National Publications as a Metrics for Localization of Science: A Study on Scholar Journals of Social Science Domain in Iran from 2002 to 2010

Mohammad Tavakolizadeh-Ravari¹ | Leila Hossein-Mirzaei² | Faramarz Soheil³

1. Assistant Professor; KIS, Yazd University tavakoli@yazd.ac.ir
2. MSc. Of Scientometrics; Yazd University
l.mirzaei_2008@yahoo.com
3. [Corresponding Author] Assistant Professor; KIS, Payame Noor University; Tehran, Iran
fsohيلي@gmail.com

Iranian Journal of
**Information
Processing &
Management**

Iranian Research Institute
for Information Science and Technology
(IranDoc)
ISSN 2251-8223
eISSN 2251-8231
Indexed by SCOPUS, ISC, & LISTA
Vol. 30 | No. 2 | pp. 337-356
Winter 2015
<https://doi.org/10.35050/JIPM010.2015.038>



Abstract: Citing national publications is considered as a qualitative measure for science localization in the current research. Consequently, the aim is to study this metric within the corpus of Iranian Scholar Journals in Social Science Domain between 2002 and 2010.

The research uses citation analysis method. The references of six social science scholar journals were extracted from the papers and then divided into two groups of national and foreign publications. The studied journals were those which were regularly published in Iran between 2002 and 2010. The analysis was performed on a sample of 543 papers out of 1528 ones. The sampling method was based on the Cochran's function.

An ANOVA test showed that the average number of citing to national publications is statistically unchanged in the journals' papers during the period mentioned above. On the other hand, the same average for foreign publications is growing. The correlation analysis determined that this growth follows a logarithmic function. The other finding concerns the differences between the average numbers of citing to the national publications in the studied journals. A one way ANOVA test revealed a difference between the journals from this point of view. Based on the Tukey's Range Test the results of ANOVA test is affected by the "Journal of Women Strategic Studies". It means, if this journal was omitted from the analysis, the rest five ones would statistically have the same rate of citing to the national publications. The citing rate to

national publications ranges between 0.31 and 0.39 except for the journal mentioned above.

Based on this metric, the tendency toward the use of national publications in the social science domain is constant despite the growing number of scientific productions in Iran. This means that the Iranian social science domain not only doesn't tend to localization of science, but its use of foreign science is growing in the span of time as well.

Keywords: Science Localization; Social Science; Citation Analysis; National Publications; Scholar Journals

استناد به انتشارات ملی، سنجهای برای بومی سازی علم: مطالعه نشریات علمی-پژوهشی حوزه علوم اجتماعی ایران در سال های ۱۳۸۹-۱۳۸۱

محمد توکلی زاده راوری^۱ | لیلا حسین میرزایی^۲ | فرامرز سهیلی^۳

۱. دکتری علم اطلاعات و دانش شناسی؛ استادیار؛ دانشگاه یزد
tavakoli@yazd.ac.ir
۲. کارشناسی ارشد علم اطلاعات و دانش شناسی؛ دانشگاه یزد
l.mirzaei_2008@yahoo.com
۳. [پدیدآور رابط] دکتری علم اطلاعات و دانش شناسی؛ استادیار؛ دانشگاه پیام نور
fsohieli@gmail.com

مقاله پژوهشی

دریافت: ۱۳۹۳/۰۴/۱۵
پذیرش: ۱۳۹۳/۰۷/۰۹

دانشگاه دانشگاه اطلاعات

فصلنامه | علمی پژوهشی
پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران
(ایرانداک)

شاپا (چاپی) ۸۲۲۳-۲۵۰۱
شاپا (الکترونیکی) ۸۲۳۱-۲۵۰۱
نمایه در SCOPUS، ISI، LISTA و
jipm.irandoc.ac.ir
دوره ۳۰ | شماره ۲ | صص ۳۳۷-۳۵۶
زمستان ۱۳۹۳

<https://doi.org/10.35050/JIPM010.2015.038>

چکیده: در این پژوهش، استناد به انتشارات ملی به عنوان یک سنجه کمی برای بومی سازی علم در نظر گرفته شده است. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر مطالعه این سنجه در مجموعه مقاله های علمی-پژوهشی حوزه علوم اجتماعی ایران بین سال های ۱۳۸۹-۱۳۸۱ است.

این پژوهش از نوع توصیفی است و از فن تحلیل استنادی بهره می برد. برای انجام آن، منابع و مأخذ مقالات شش نشریه علمی-پژوهشی حوزه علوم اجتماعی استخراج و به دو گروه انتشارات ملی و انتشارات خارجی تقسیم گردیدند. نشریات مورد مطالعه شامل آنهایی بود که طی دوره زمانی یادشده به طور مرتب منتشر شده بودند. تحلیل روی ۵۴۳ نمونه از ۱۵۲۸ مقاله صورت گرفت. اساس تعیین تعداد نمونه ها، فرمول کوکران بود.

نتایج حاصل از آزمون تحلیل واریانس یک راهه نشان داد که متوسط تعداد استناد به انتشارات ملی در دوره زمانی یادشده بدون تغییر مانده است. از طرف دیگر، متوسط استناد به انتشارات خارجی طی همین دوره رشد داشته است. آزمون تحلیل همبستگی مشخص ساخت که تابع این رشد، لگاریتمی است. یافته دیگر به تفاوت بین میانگین تعداد استناد به انتشارات ملی در نشریات مورد مطالعه می پردازد. یافته های پژوهش همچنین نشان داد که این میانگین در نشریات مختلف متفاوت است. یافته ها همچنین نشان داد که نتایج آزمون آنوا تحت تأثیر نشریه مطالعات راهبردی زنان است. به این معنا که اگر این نشریه کنار گذاشته شده بود، نرخ استناد از لحاظ آماری در پنج نشریه باقیمانده به انتشارات ملی مشابه می شد. شاخص استناد به انتشارات ملی، به جز در



نشریه یادشده، بین ۰/۳۱ و ۰/۳۹ متغیر است که این مقدار تحت تأثیر سال ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ است و در سال‌های اخیر به حدود ۰/۲ رسیده است. با توجه به اینکه میزان تولید علم در ایران افزایش یافته، میزان استفاده از این منابع در حوزه علوم اجتماعی ثابت مانده است. بر اساس این سنجه، حوزه علوم اجتماعی ایران نه تنها به سمت بومی شدن پیش نمی‌رود، بلکه با گذر زمان، تمایل به بهره‌گیری از علم خارجی نیز افزایش می‌یابد.

کلیدواژه‌ها: بومی‌سازی علم؛ علوم اجتماعی؛ تحلیل استنادی؛ انتشارات ملی؛ نشریات علمی - پژوهشی

۱. مقدمه و بیان مسئله

از نگاه بسیاری، بومی‌سازی علم به مفهوم شکل‌گیری علوم در یک بستر فرهنگی، تاریخی و تجربی در یک جامعه خاص برای پاسخ‌گویی به نیازهای آن جامعه است. در برابر این، اندیشه‌ای وجود دارد که علم، بومی و غیربومی یا اسلامی و غیراسلامی ندارد. برخی نیز اساساً تحلیل وضعیت علوم اجتماعی از منظر بومی‌سازی را نوعی رویکرد نامناسب می‌دانند، زیرا اساساً بومی‌گرایی را در موقعیتی که هنوز علوم اجتماعی تعریف نشده و تناسب آن با دیگر حوزه‌های علمی و نظام اجتماعی معلوم نشده است، ناروا می‌دانند (آزاد ارمکی ۱۳۸۶).

اسنولی و همکاران علم بومی را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «علم بومی به دانش علمی بلندمدتی که معمولاً به صورت شفاهی در فرهنگ افراد وجود دارد، همچنین دانش علمی تمامی افراد به‌عنوان مشارکت‌کنندگان یک فرهنگ که تحت تأثیر دیدگاه جهانی و علائق نسبی جوامع بومی خود هستند، ارتباط دارد» (Snavely et al, 2001)، نقل در ذاکر صالحی (۱۳۹۲). پژوهشگران دیگری از جمله میشه و مایل «علم بومی را مترادف تجارب زیسته مردم محلی در زمینه‌های مختلف زندگی می‌دانند و از آن به‌عنوان روشی برای درک جهان یاد کرده‌اند که کل‌نگر است» (Michael, 2002)، نقل در ذاکر صالحی (۱۳۹۲). با این حال، چون محور علوم انسانی و اجتماعی انسان است و انسان موجودی فرهنگی خوانده می‌شود، این علوم برای کاربردی شدن در یک جامعه باید با آداب و رسوم، فرهنگ و حتی اقلیم و جغرافیای آن تناسب داشته باشد. برای توسعه علوم اجتماعی

در کشورهای غیر غربی می‌توان و باید این علوم را با بوم یا زمینه فرهنگی و اجتماعی این کشورها سازگار کرد (فاضلی ۱۳۸۸). در تأیید این نظریه می‌توان به گفته ارشاد اشاره کرد. وی معتقد است که «یکی از گفتمان‌های فرهنگی معاصر ایران، گفتمان شکل‌دادن دانش و هنر و علم سازگار با هویت و زیست‌بوم تاریخی، فرهنگی و فکری ایران است. معنای آشکار این گفتمان تأکید بر این نکته است که علم، زمانی حالت بومی دارد که به‌عنوان عنصری از حوزه فرهنگی در ارتباط متناسب و هماهنگ با نیازهای جمعیت انسانی در قلمرو مکانی که زیست‌بوم اجتماع به‌شمار می‌آید، کارکرد داشته باشد» (ارشاد ۱۳۸۷، ۲۳۲۲).

گفتمان بومی‌سازی علوم اجتماعی ایران، از مباحثی است که از آغاز ورود این علم به ایران مورد توجه قرار گرفته است. در این زمینه، نخستین بنیانگذاران علوم اجتماعی در ایران نیز دغدغه ایرانی کردن علوم اجتماعی را داشتند و ایرانی‌شدن علوم اجتماعی در ایران در اساسنامه مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های علوم اجتماعی دیده می‌شود (آزاد ارمکی ۱۳۸۶، ۱۸۶). نراقی در کتاب خود با نام «آنچه خود داشت» رهیافت ایرانی‌سازی یا بومی‌سازی به علم مدرن را به‌نحو مبسوط تحلیل و تبیین می‌کند^۱ (۱۳۸۲). یونسیان معتقد است که نکته مهمی که در کتاب بر آن تأکید شده، این است که شیوه نگارش حاصل از ملاک‌های جامعه‌شناسی غرب باعث تقویت از خود بیگانگی عمیق فرهنگی شده است (۱۳۸۰).

از نظر هانتینگتون^۲ «علوم، بومی مبدأ خودشان هستند، یعنی بخش مهم علوم اجتماعی موجود، بومی فرهنگ و تاریخ غرب هستند و چون بومی آنجانبند، صبغه فرهنگ غرب را دارند و حامل ارزش‌ها و مبانی فرهنگ و تمدن غرب، به‌ویژه غرب مدرنیته می‌باشند» (۱۳۷۹). این علوم اگر بخواهند بومی ایران بشوند، باید حاصل دستاورد کسانی باشند که در بستر فرهنگ بومی ایران رشد کرده‌اند و ظرف ذهن آنها رنگ و بوی ایرانی گرفته باشد. توجه و استناد هر چه بیشتر به آثار داخلی نشانگر توجه بیشتر به علمی است که از ظرف ذهنی ایرانی تراوش کرده است.

۱. این کتاب ابتدا در سال ۱۳۵۵ منتشر شد.

۲. Huntington

دیدگاه‌های متفاوتی درباره بومی‌سازی علوم انسانی و اجتماعی در ایران وجود دارد. برای مثال، فاضلی معتقد است که «در معنایی معین می‌توان به فرایند بومی‌سازی علوم اجتماعی پرداخت» (۱۳۸۸). فراهانی نیز معتقد است که اگرچه نهضت ترجمه گشایش پنجره‌های جدید به دنیای اندیشه بود، ولی در عرصه تولید علم، موجب ایستایی بیش از پیش و حتی وابستگی فکری و ظهور پدیده نوین استعمار فکری شد (۱۳۸۸).

برخی دیگر از پژوهشگران معتقدند که «ما امروز وارداتی بودن موضوعات، غایت‌جویی‌ها و رهیافت‌های علوم انسانی موجود را عارضه‌ای سهمگین و البته درمان‌پذیر می‌دانیم و باید نسبت به روش‌های پژوهش وارداتی و ترجمه‌ای از اساس تردید داشته باشیم و به جد برای تدوین و سامان‌دهی نوعی ماتریس نظام‌مند پژوهش‌ها که بر اساس مقتضیات و مبناهای بومی شکل گرفته باشد، تلاش کنیم. البته، اختلاف و تباین بنیادین و تسامح‌ناپذیر مبانی بینشی و معرفتی جهان‌نگری‌های جامعه ما و جامعه غرب نافی بهره‌برداری‌های هوشمندانه و مفید از پاره‌ای دستاوردهای روش‌شناختی و استنتاجی علوم انسانی غرب نیست؛ چرا که مطابق آنچه در سده‌های طلایی تمدن اسلامی و ایرانی وجود داشته، یکی از شاخص‌ترین معیارهای بومی‌سازی علوم انسانی این است که نتایج رهاوردهای این علوم تا چه حد می‌توانند پاسخ‌گوی نیازها و برآورنده آرمان‌های جامعه بومی باشند؟» (سلیم کوچی ۱۳۹۱).

برزگر معتقد است که بومی‌سازی علوم اجتماعی و انسانی به معنای جذب انتقادی علوم اجتماعی و انسانی غرب است؛ نه ترک میراث غنی غرب در این حوزه. در واردات این دسته از علوم باید افزون بر ترجمه، اقدامات تکمیلی و اقتباس نقادانه و گزینشی داشت و به صورت گوناگون در آن دخل و تصرف کرد تا بتوان متناسب با مقتضیات بومی ایران از آنها بهره گرفت و آنها را به فناوری ایرانی تبدیل کرد (۱۳۸۹).

یکی از حوزه‌های پژوهشی که با استفاده از آن می‌توان به بررسی بومی‌سازی علم و مطالعات سنجش علم پرداخت، علم‌سنجی است. در حوزه علم‌سنجی، شاخص‌های گوناگونی بر اساس استنادات آثار علمی و فنی به وجود آمده است. از آن جمله، شاخص‌های ضریب تأثیر نشریات، هیرش، توان علمی فناوری و اتکای به خارج است. شاخص اخیر، به امکان مقایسه عملکرد ملت‌ها از جنبه علمی و فنی از طریق میزان

استنادشان به منابع و انتشارات ملی توجه دارد. شاید بتوان اثر کول و آیلز و نارین و کارپنتر را از قدیمی‌ترین آثاری دانست که به تحلیل استنادی از جنبه استناد به منابع و انتشارات ملی پرداخته‌اند (Cole & Eales 1917; Narin & Carperter 1975). این پژوهش نیز با توجه به میزان استناد به منابع و انتشارات ملی در مقاله‌های مجلات علمی حوزه علوم اجتماعی ایران در نظر دارد گرایش به انتشارات و آثار علمی ملی را به‌عنوان شاخصی کمی در زمینه بومی‌سازی معرفی کند.

با توجه به مطالب گفته‌شده، این پژوهش در نظر دارد بررسی نماید که پژوهشگران حوزه علوم اجتماعی ایران تا چه اندازه در آثار خود به انتشارات ملی استناد کرده‌اند. به همین منظور، به بررسی «استناد به انتشارات ملی» به‌عنوان یکی از شاخص‌های بومی‌سازی علم پرداخته شده و در این پژوهش استنادهای موجود در مجله‌های دارای ضریب تأثیر بالای علوم اجتماعی ایران مورد بررسی قرار گرفته تا مشخص شود که پژوهشگران ایرانی در نگارش مقاله‌های خود تا چه حد به انتشارات ملی استناد می‌نمایند و روند این کار در طی سال‌های مختلف چگونه بوده است.

۲. پرسش‌های پژوهش

۱. آیا رابطه‌ای بین میانگین تعداد منابع و مأخذ (به تفکیک ملی، خارجی و کل) مقالات مجلات علمی و پژوهشی حوزه علوم اجتماعی و گذر سال، طی سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۹ وجود دارد؟
۲. آیا بین میانگین تعداد منابع و مأخذ (به تفکیک ملی و خارجی) مقالات مجلات علمی و پژوهشی حوزه علوم اجتماعی در سال‌های مختلف (طی سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۹) تفاوت معنی‌دار وجود دارد؟
۳. آیا تفاوت معنی‌داری بین هر یک از نشریات علمی پژوهشی حوزه علوم اجتماعی از نظر میزان استناد به انتشارات ملی وجود دارد؟
۴. میزان شاخص استناد به انتشارات ملی در حوزه علوم اجتماعی طی سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۸۹ به چه صورت بوده است؟

۳. پیشینه پژوهش

جستجوهای به عمل آمده توسط پژوهشگران در رابطه با بومی سازی در علوم انسانی و علوم اجتماعی و بومی سازی در علوم ایران به طور کلی، نشان داد که تاکنون پژوهش های متعددی در این زمینه صورت گرفته و بیشتر آنها پژوهشی های نظری و مروری هستند و به تبیین بومی سازی و بررسی دیدگاه موافقان و مخالفان بومی سازی پرداخته اند. پژوهش هایی که به طور پیمایشی به بررسی بومی سازی در علوم انسانی یا علوم اجتماعی در ایران پرداخته اند، محدودند. در این پژوهش تلاش شده تا پژوهش های مرتبط با استناد به انتشارات ملی، گرایش کشورها به استناد به آثار ایرانی و مانند آن پرداخته شود. کول و آیلز در پژوهش خود تحلیل جامعی بر انتشارات حوزه آناتومی داشتند. در این پژوهش آنها در مورد ظهور و محو این حوزه از انتشارات، تغییر گرایش به آن حوزه از انتشارات از کشوری به کشور دیگر، و روابط متقابل آنها پرداختند (Cole & Eales 1917).

نارین و کارپنتر شاخص های فعالیت های علمی را با شمارش ۵۰۰۰۰۰ منبع و میلیون ها استناد در ۴۹۲ مجله پراستناد در هفت رشته اصلی و در شش کشور برجسته و دوره زمانی ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۱ مورد بررسی قرار دادند. نتایج آنها نشان داد که رتبه بندی انتشارات ملی از یک رشته به رشته دیگر متفاوت بود (Narin & Carperter 1975).

اینها بر و آلو در مطالعه ای ۱۸ کشور را که ۹۵ درصد از کل اطلاعات علمی دنیا را تولید می کنند، مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد ایالات متحده آمریکا در رده خوداستادی (استناد نویسندگان یک کشور به اطلاعات علمی تولید شده در همان کشور) در جایگاه اول قرار دارد. همچنین، نتایج حاکی از این است که نویسندگان دیگر کشورها بسیار بیشتر از اینکه توسط نویسندگان ایالات متحده آمریکا مورد استناد قرار گیرند، به آنها استناد می نمایند (Inhaber & Alvo 1978).

نتایج تحقیقات گرننگ و برایس و بلای نیز سوگرفتگی ملی و ملیتی را تأیید می نماید (Grange 1999; Brice & Bligh 2004). به طوری که مرور پژوهش های گذشته نشان می دهد، گرایش های ملی و ملیتی در استناد به منابع پژوهشی، در بسیاری از ملیت های مورد مطالعه مشاهده می شود و این مسئله در بعضی از کشورها به حدی است که فقط انتشارات ملی یا انتشارات یک کشور خاص را برای استناد نمودن ترجیح می دهند. این گونه

گرایش‌های ملی (گرایش نویسندگان یک کشور در استناد به پژوهش‌های علمی تولیدشده در همان کشور) و ملیتی در استناد (گرایش نویسندگان در استناد به پژوهش‌های علمی تولیدشده در یک یا چند کشور خاص)، به گونه‌ای قوی نرخ استناد را تحت تأثیر قرار خواهد داد و از دقت این شاخص برای ارزیابی عملکرد و کیفیت علمی پژوهش‌ها خواهد کاست.

نتایج لوریا و آروویو در بررسی گرایش‌های زبانی در پایگاه مدلاین نشان داد که ۶۸ درصد از مقالات در هشت کشور انگلیسی زبان و ۹۰ درصد از آنها به زبان انگلیسی منتشر می‌شوند. آنها معتقدند که یکی از عوامل توجه به زبان انگلیسی در غیر انگلیسی‌زبانان جهان سوم، محدودیت میزان مواد منتشره، مهاجرت و فقدان حمایت کافی از منابع داخلی است (Loria & Arroyo 2005).

شویرت و گلانزل در پژوهشی که انجام دادند، ترجیحات بین‌الملیتی را در همکاری نویسندگان و ارجاعات و استنادهای متقابل مورد بررسی قرار دادند. این مطالعه مشخص نمود که مکان جغرافیایی، ارتباط‌های فرهنگی، و زبان مؤلفه‌هایی هستند که بر همکاری نویسندگان، ارجاع و استناد تأثیرگذارند (Schubert & Glanzel 2006). مناطقی مثل اروپای مرکزی، اسکانداویا، آمریکای لاتین، شرق دور یا آفریقای جنوبی، زلاندنو، اقیانوسیه، حلقه‌هایی را با ترجیحات قوی از نظر همکاری، استناد و ارجاع متقابل بین خود تشکیل می‌دهند. به نظر می‌رسد، ایالات متحده آمریکا نقشی متمایز از لحاظ ترجیحات جهانی دارد و در ارجاعات و استنادهای متقابل برای بخش وسیعی از کشورهای مورد مطالعه برتری دارد.

جرارد و دیگران طی پژوهشی به منظور بررسی رابطه ملیت استنادکنندگان با ملیت نویسندگان، استناد رسیده به ۱۲۰۰ مقاله را در یک دوره ۷ ساله بررسی نمودند. نتایج نشان داد که از کل استنادها ۱۷/۸ درصد خوداستنادی نویسنده بوده و در ۳۱/۶ درصد نیز استنادکننده و نویسنده از یک ملیت بوده‌اند. او نتیجه می‌گیرد که گرایش‌های ملی و ملیتی به‌طور معنی‌داری فراوانی استناد را تحت تأثیر قرار می‌دهند (Gerard et al. 2007).

تسوجیا در پژوهش خود ۲۳۱۷ استناد داده‌شده توسط پژوهشگران حوزه تومورشناسی ژاپن را مورد بررسی قرار داد. نتایج وی نشان داد که ۱۳۰ استناد (۶ درصد)

به مجله‌های ملی و ۲۱۸۷ استاد به مجله‌های بین‌المللی صورت گرفته است. وی همچنین دریافت که استفاده از انتشارات ملی در بین پژوهشگران ژاپنی حوزه‌ی تومورشناسی خیلی پایین است (Tsuchiya 2008).

جوکار و ابراهیمی به میزان گرایش ملیت‌ها در استاد به تولیدات علمی ایرانیان پرداخته‌اند. آنها دریافتند که «از کل استادهای رسیده به تولیدات علمی ایرانیان، ۹۱۰ استاد (۵۰/۸ درصد) از طرف پژوهشگران ایرانی و ۸۸۳ استاد (۴۹/۲ درصد) از طرف پژوهشگران سایر کشورها بوده است» (۱۳۸۶).

مروری بر پیشینه‌های صورت گرفته در این زمینه نشان می‌دهد که تحلیل استنادی یکی از فنون رایج و کارآمد برای ارزیابی‌های پژوهشی است و استاد به انتشارات ملی به‌عنوان یک سنج در ارزیابی‌ها مورد استفاده قرار گرفته است. نتایج پیشینه‌ها نشان‌دهنده آن است که سوگیری‌های مختلفی در استاد دادن به انتشارات کشورهای خاص، سوگیری‌های زبانی و مانند آن وجود دارد و در اکثر کشورهایی که زبان اول آنها انگلیسی نیست، گرایش به انتشار مقاله‌ها در مجله‌های انگلیسی زبان و همچنین استاد به مقاله‌های انگلیسی زبان بیشتر از انتشارات به زبان ملی نویسندگان مقالات است.

۴. روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر، روش تحلیل استنادی است که به نسبت استنادات بومی یک مقاله به کل استنادات آن می‌پردازد. در این پژوهش، ابتدا فهرست نشریاتی که توسط نمایه‌نامه استنادی علوم ایران به‌عنوان نشریات علوم اجتماعی تعیین شده بودند، تهیه گردید. سپس با نظر اجماعی چند تن از اعضای هیئت علمی حوزه علوم اجتماعی، مجلات علمی پژوهشی حوزه علوم اجتماعی که از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹ (۱۰ سال) به‌طور منظم منتشر شده‌اند، انتخاب گردیدند (فصلنامه جامعه‌شناسی ایران، مطالعات راهبردی زنان، نامه علوم اجتماعی، فصلنامه رفاه اجتماعی، فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی، فصلنامه زن در توسعه و سیاست). به‌علت نوع داده و ابزار گردآوری داده‌ها، معمولاً نظر اجماعی متخصصان، یک روش مؤثر برای بالابردن روایی ابزار است.

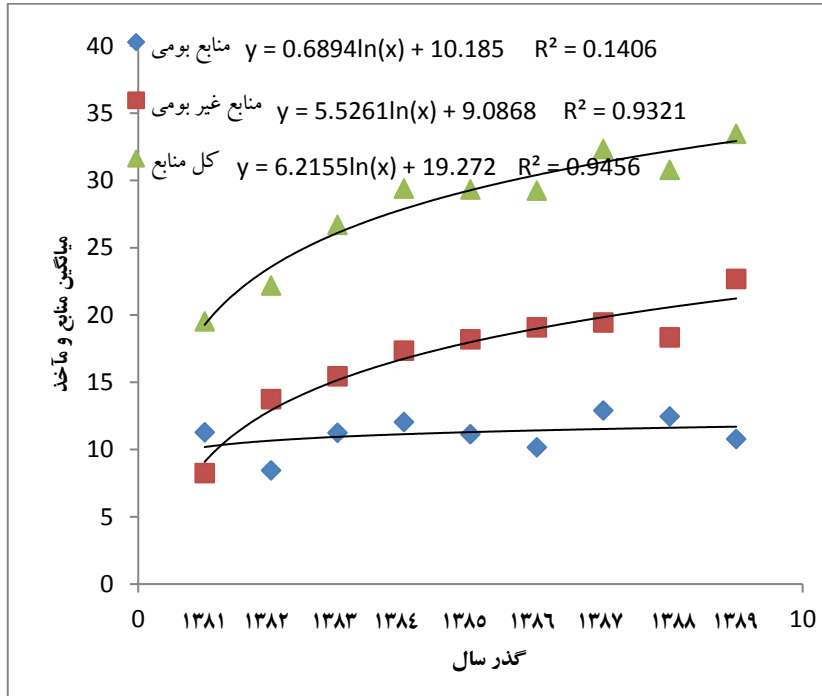
سپس، مقالات این مجلات از پایگاه مگ ایران دانلود شدند که تعداد کل آنها ۱۵۲۸ مقاله بود. سپس، با استفاده از روش کوکران نمونه‌گیری برای جامعه معلوم انجام شد و

۵۴۳ مقاله به عنوان نمونه انتخاب شدند. قسمت منابع و مأخذ مقالات انتخاب شده به عنوان نمونه بررسی شد و تعداد انتشارات ملی (داخلی) و انتشارات خارجی هر مقاله شمرده شد. (منابع ترجمه‌ای و منابع لاتین جزو منابع خارجی در نظر گرفته شدند). برای تعیین پویایی، استنادهای یک شماره از هر نشریه در یک سال به طور کامل سنجیده شد و نتیجه، با نتایج تصادفی مرتبط با کل نشریه در آن سال مقایسه گردید که تفاوت میانگین‌ها در حد چند دهم بود.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش آماری استفاده شد. با کمک نرم‌افزار اکسل، آزمون رگرسیون و رسم نمودار بین میانگین استنادات و گذر زمان صورت گرفت. از طریق نرم‌افزار اسپاس نیز، آزمون تحلیل واریانس یک راهه (آنوا) برای سنجش معنی داری تفاوت میانگین استنادها بین نشریات و سال‌های مختلف انجام گردید. چون داده‌های مورد بررسی (استنادها در این پژوهش) برای مطالعات علم‌سنجی ثابت هستند، اگر اشخاص دیگری هم بعد از این، همین پژوهش را انجام دهند، نتایج آنها با این پژوهش یکسان است. پس نتایج حاصل از این مطالعات دارای پایایی لازم می‌باشد.

۵. یافته‌های پژوهش

در راستای سؤال اول پژوهش، برای اینکه ببینیم، چه رابطه‌ای بین میانگین تعداد منابع و مأخذ (به تفکیک ملی، خارجی و کل) مقالات مجلات علمی و پژوهشی حوزه علوم اجتماعی و گذر سال، طی سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۹ وجود دارد، از تحلیل رگرسیون استفاده شد. نمودار ۱ نشان می‌دهد که میانگین تعداد منابع و مأخذ مقالات در مجلات علمی حوزه علوم اجتماعی در هر سال با ضریب $۶/۲۱۵۵$ به صورت لگاریتمی رشد داشته است. از این ضریب رشد، $۵/۵۲۶۱$ تحت تأثیر افزایش استناد به انتشارات خارجی و $۰/۶۸۹۴$ رشد، تحت تأثیر استناد به انتشارات داخلی بوده است.



نمودار ۱. میانگین تعداد منابع و مآخذ مقالات در مجلات علمی حوزه علوم اجتماعی

بر اساس توابع حاصل در نمودار ۱، در نقطه‌ای که محور xها صفر است، میانگین استناد به منابع بومی (انتشارات ملی) در هر مقاله ۱۰/۱۸۵ و منابع غیر بومی (انتشارات خارجی) ۹/۰۸۶۸ مورد است که استناد به انتشارات داخلی یک برتری نسبی دارد. اما، این نسبت به سرعت معکوس می‌شود و هر سال تعداد استناد به انتشارات خارجی افزایش می‌یابد. در کل، میانگین تعداد مآخذ در نقطه صفر ۱۹/۲۷۲ است که نشان می‌دهد یک مقاله علمی در حوزه علوم اجتماعی به‌طور میانگین حداقل دارای ۱۹ مآخذ است.

با توجه به سؤال دوم پژوهش، برای اینکه ببینیم که آیا تفاوت بین میانگین تعداد منابع و مآخذ (به تفکیک ملی و خارجی) مقالات مجلات علمی و پژوهشی حوزه علوم اجتماعی در سال‌های مختلف (طی سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۹) معنی‌دار بوده، ابتدا تفاوت بین میانگین تعداد استناد به انتشارات ملی هر سال با سال‌های دیگر از طریق آزمون تحلیل

واریانس یکراهه (آنوا) سنجیده شد که نسبت F برابر با $۰/۹۰۸$ بود و این مقدار با درجه آزادی ۸ از مقدار بحرانی F کمتر است. لذا بین میانگین تعداد استناد به انتشارات ملی در گذر زمان (۱۳۸۱ تا ۱۳۸۹) تفاوت معنی داری وجود ندارد.

جدول ۲. نتایج حاصل از مقایسه تفاوت میانگین سالانه تعداد استناد به انتشارات ملی طی سالهای $۱۳۸۱-۱۳۸۹$ از طریق تحلیل واریانس یکراهه (آنوا)

منبع تغییرات	مجموع مجدورات	درجه آزادی	میانگین مجدورات	نسبت F	سطح معنی داری
بین گروهی	۷۹۸/۲۶۲	۸	۹۹/۷۸۳	۰/۹۰۸	۰/۵۰۹
درون گروهی	۵۸۰۳۲/۷۵	۵۲۸	۱۰۹/۹۱۱		
کل	۵۸۸۳۱/۰۲	۵۳۶			

در ادامه پاسخ به سؤال دوم پژوهش، آزمون تحلیل واریانس یکراهه (آنوا) دیگری انجام شد تا دریابیم که آیا در طی سالهای مورد بررسی، میانگین تعداد استناد به انتشارات خارجی در مقالات مورد بررسی تفاوت معنی داری داشته است؟ برای این کار مجدداً تفاوت بین میانگین تعداد استناد به انتشارات خارجی در هر سال با سالهای دیگر سنجیده شد که این بار نسبت F برابر با $۵/۴۹۳$ بود و این مقدار با درجه آزادی ۸ از مقدار بحرانی F بیشتر بود. لذا، با اطمینان ۹۹ درصد می توان گفت که بین میانگین تعداد استناد به انتشارات خارجی در مقالات در گذر زمان (۱۳۸۱ تا ۱۳۸۹) تفاوت معنی داری به وجود آمده است. این یافته نیز تأییدی بر نتیجه حاصل از آزمون همبستگی در نمودار ۱ است که رابطه قوی بین گذر سال و میانگین تعداد استناد به انتشارات خارجی را نشان می دهد.

جدول ۳. نتایج حاصل از مقایسه تفاوت میانگین سالانه تعداد استناد به انتشارات خارجی طی سالهای $۱۳۸۱-۱۳۸۹$ از طریق تحلیل واریانس یکراهه (آنوا)

منبع تغییرات	مجموع مجدورات	درجه آزادی	میانگین مجدورات	نسبت F	سطح معنی داری
بین گروهی	۸۲۸۵/۵	۸	۱۰۳۵/۶۸	۵/۴۹۳	$\leq ۰/۰۰۱$
درون گروهی	۹۹۵۴۶/۳۷	۵۲۸	۱۸۸/۵۳		
کل	۱۰۷۸۳۱/۸۸	۵۳۶			

برای اینکه مشخص شود که تفاوت، مربوط به چه سال‌هایی است، از آزمون تعقیبی توکی استفاده گردید. نتایج حاصل از آزمون تعقیبی در جدول ۴ به نمایش گذاشته شده است.

همان‌گونه که در جدول زیر مشخص است، بین میانگین استناد به انتشارات خارجی برای سال ۱۳۸۱، ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ تفاوت معنی‌داری وجود ندارد، اما بین این سه سال با سایر سال‌ها تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

جدول ۴. نتایج روش تعقیبی توکی برای مشخص شدن تفاوت میان میانگین تعداد استناد به انتشارات خارجی در مقالات در گذر زمان

سال	Subset for alpha = 0.05		
	تعداد	۱	۲
۱۳۸۱	۶۱	۸/۲۵	
۱۳۸۲	۶۲	۱۳/۷۴	۱۳/۷۴
۱۳۸۳	۶۳	۱۵/۴۴	۱۵/۴۴
۱۳۸۴	۶۲	۱۷/۳۵	۱۷/۳۵
۱۳۸۵	۵۷	۱۸/۱۹	۱۸/۱۹
۱۳۸۶	۶۳	۱۸/۳۳	۱۸/۳۳
۱۳۸۷	۶۱	۱۹/۴۴	۱۹/۴۴
۱۳۸۸	۵۷	۱۹/۵۷	۱۹/۵۷
۱۳۸۹	۵۷	۲۲/۶۸	
سطح معنی‌داری		۰/۰۹۴	۰/۲۸۰

برای پاسخ به سؤال سوم پژوهش، تفاوت میانگین هر یک از نشریات علمی پژوهشی حوزه علوم اجتماعی از نظر میزان استناد به انتشارات ملی مورد توجه قرار گرفت. برای این کار آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه (آنوا) دیگری انجام شد که نسبت F برابر با ۱۰/۴۴۵

بود و این مقدار با درجه آزادی ۵ از مقدار بحرانی F بیشتر است. لذا، با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت که بین میانگین تعداد استناد به انتشارات ملی در نشریات مختلف تفاوت معنی‌داری به وجود آمده است. به عبارتی، توجه هر یک از نشریات به انتشارات ملی متفاوت است. برای مشخص شدن تفاوت بین جفت به جفت نشریات از روش تعقیبی توکی استفاده شد.

جدول ۵. نتایج حاصل از مقایسه تفاوت میانگین استناد به انتشارات ملی در نشریات مورد مطالعه از طریق تحلیل واریانس یک‌راهه (آنوا)

منبع تغییرات	مجموع مجدورات	درجه آزادی	میانگین مجدورات	نسبت F	سطح معنی‌داری
بین گروهی	۳/۷۵۷	۵	۰/۷۵۱	۱۰/۴۴۵	$\leq 0/001$
درون گروهی	۴۲/۵۸۹	۴۲/۵۸۹	۰/۰۷۲		
کل	۴۶/۳۴۷	۴۶/۳۴۷			

پس از آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه (آنوا)، میانگین استناد به انتشارات ملی هر یک از نشریات با آزمون توکی مقایسه شد.

جدول ۶. میانگین منابع و مآخذ کل و ملی نشریات مورد مطالعه و شاخص استناد به انتشارات ملی در آنها

نام مجله	تعداد	میانگین کل منابع و مآخذ	میانگین استناد به انتشارات داخلی	شاخص استناد به انتشارات ملی
فصلنامه جامعه‌شناسی ایران	۱۱۴	۴۰/۸	۱۶/۱۰	۰/۳۹
فصلنامه رفاه اجتماعی	۹۰	۲۳/۱	۸/۱۳	۰/۳۵
فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی	۹۰	۲۱/۷۳	۶/۸۳	۰/۳۱
فصلنامه زن در توسعه و سیاست	۷۹	۲۷/۳۳	۹/۰۴	۰/۳۳
فصلنامه مطالعات راهبردی زنان	۱۱۷	۲۶/۳	۱۴/۷۵	۰/۵۷
نامه علوم اجتماعی	۵۳	۲۵/۸۳	۸/۸۳	۰/۳۴

بررسی دو به دوی تفاوت میانگین استناد به انتشارات ملی هر نشریه از طریق آزمون توکی (جدول ۷) نشان داد که تفاوت این میانگین به جز در نشریات «فصلنامه جامعه‌شناسی ایران» و «فصلنامه مطالعات راهبردی زنان» بین بقیه نشریات معنی دار نیست. به این معنا که تنها این دو نشریه نسبت به سایر نشریات، به انتشارات ملی بیشتری استناد کرده‌اند. همان‌گونه که از جدول ۵ برمی‌آید، این تفاوت در «فصلنامه جامعه‌شناسی ایران» ناشی از بالابودن تعداد کل منابع و مأخذ مقالات این نشریه یعنی ۴۰/۸ مورد است. در بقیه نشریات این مقدار بین ۲۳ و ۲۸ متغیر است.

بر اساس جدول ۶، از جنبه شاخص استناد به انتشارات ملی، تنها «فصلنامه مطالعات زنان» است که مقدار حدود ۰/۵۷ دارد و بقیه بین ۰/۳۱ و ۰/۳۹ متغیر است. البته، بر اساس نمودار ۲، این مقدار تحت تأثیر سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ است و میزان این شاخص هم‌اکنون به حدود ۰/۲ تقلیل یافته است (نمودار ۲).

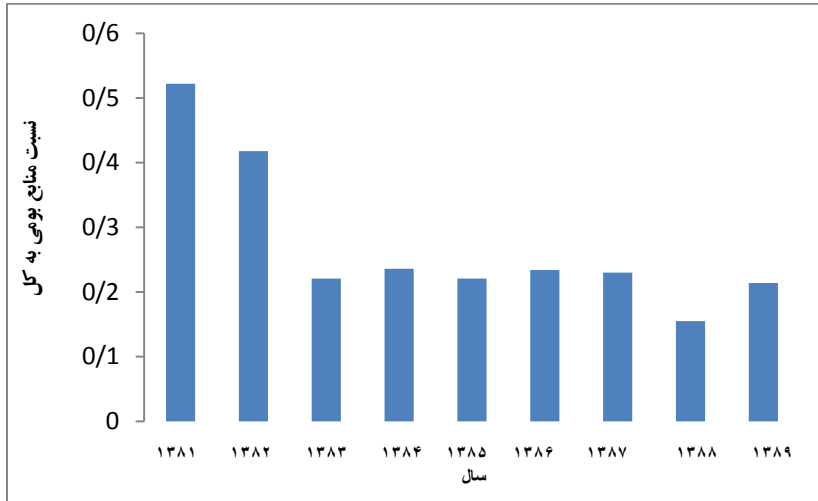
جدول ۷. نتایج روش پیگیری توکی برای مشخص شدن تفاوت میان گروه‌ها

نام متغیر	گروه I	گروه J	تفاوت میانگین‌ها	سطح معنی‌داری
فصلنامه جامعه‌شناسی ایران	فصلنامه جامعه‌شناسی	فصلنامه رفاه اجتماعی	۷/۹۶۳	۰/۰۰۰
		فصلنامه روش‌شناسی	۹/۲۶۳	۰/۰۰۰
		فصلنامه زن در توسعه	۷/۰۵۹	۰/۰۰۰
فصلنامه رفاه اجتماعی	فصلنامه مطالعات	فصلنامه علوم اجتماعی	۱/۳۴۴	۰/۹۰۴
	فصلنامه رفاه اجتماعی	فصلنامه جامعه‌شناسی	۷/۲۶۶	۰/۰۰۰
		فصلنامه روش‌شناسی	-۷/۹۶۳	۰/۰۰۰
		فصلنامه زن در توسعه	۱/۳۰۰	۰/۹۴۹
		فصلنامه مطالعات	-۰/۹۰۵	۰/۹۹۱
		فصلنامه علوم اجتماعی	-۶/۶۱۹	۰/۰۰۰
		فصلنامه جامعه‌شناسی	-۰/۶۹۷	۰/۹۹۹
فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی	فصلنامه جامعه‌شناسی	فصلنامه رفاه اجتماعی	-۹/۲۶۳	۰/۰۰۰
		فصلنامه زن در توسعه	-۱/۳۰۰	۰/۹۴۹
		فصلنامه مطالعات	-۲/۲۰۵	۰/۶۹۲
		فصلنامه علوم اجتماعی	-۷/۹۱۹	۰/۰۰۰
		فصلنامه جامعه‌شناسی	-۱/۹۹۷	۰/۸۴۹

نام متغیر	گروه I	گروه J	تفاوت میانگین‌ها	سطح معنی‌داری
		فصلنامه جامعه‌شناسی	-۷/۰۵۹	۰/۰۰۰
		فصلنامه رفاه اجتماعی	۰/۹۰۵	۰/۹۹۱
فصلنامه زن در توسعه و سیاست		فصلنامه روش‌شناسی	۲/۲۰۵	۰/۶۹۲
		فصلنامه مطالعات	-۵/۷۱۴	۰/۰۰۱
		نامه علوم اجتماعی	۰/۲۰۸	۱/۰۰۰
		فصلنامه جامعه‌شناسی	-۱/۳۴۴	۰/۹۰۴
فصلنامه مطالعات راهبردی		فصلنامه رفاه اجتماعی	۶/۶۱۹	۰/۰۰۰
		فصلنامه روش‌شناسی	۷/۹۱۹	۰/۰۰۰
زنان		فصلنامه زن در توسعه	۵/۷۱۴	۰/۰۰۱
		نامه علوم اجتماعی	۵/۹۲۲	۰/۰۰۴
		فصلنامه جامعه‌شناسی	-۷/۲۶۶	۰/۰۰۰
		فصلنامه رفاه اجتماعی	۰/۶۹۷	۰/۹۹۹
نامه علوم اجتماعی		فصلنامه روش‌شناسی	۱/۹۹۷	۰/۸۴۹
		فصلنامه زن در توسعه	-۰/۲۰۸	۱/۰۰۰
		فصلنامه مطالعات	-۵/۹۲۲	۰/۰۰۴

بر اساس جدول ۶، از جنبه شاخص استناد به انتشارات ملی، تنها «فصلنامه مطالعات زنان» است که مقدار حدود ۰/۵۷ دارد و بقیه بین ۰/۳۱ و ۰/۳۹ متغیر است. البته، بر اساس نمودار ۲، این مقدار تحت تأثیر سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ است و میزان این شاخص هم‌اکنون به حدود ۰/۲ تقلیل یافته است (نمودار ۲).

برای پاسخ به سؤال چهارم پژوهش، میزان استناد به انتشارات ملی نسبت به کل منابع استنادشده برای سال‌های مختلف محاسبه شد. نمودار ۲ نشان می‌دهد که این نسبت در سال ۱۳۸۳ یکباره به حدود ۰/۲ کاهش می‌یابد و تا سال ۸۹ تقریباً در همین محدوده ثابت می‌ماند.



نمودار ۲. نسبت استناد به انتشارات ملی به کل منابع استنادشده در سال‌های مختلف

۶. بحث و نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از تحلیل داده‌های پژوهش نشان داد که سالانه به‌طور لگاریتمی میانگین منابع و مآخذ مقالات در مجلات حوزه علوم اجتماعی افزایش پیدا می‌کند. این نشان می‌دهد که تعداد مآخذ سرانجام به یک حد یکنواخت می‌رسد که نشان از اشباع تعداد منابع و مآخذ دارد. اما در کنار آن، میانگین استناد به انتشارات داخلی یک میزان ثابت بوده و بین یک محدوده کوچک در نوسان است و استناد به انتشارات خارجی طی این بازه زمانی افزایش یافته و در آینده هم روند رشد صعودی خواهد داشت.

جوکار و ابراهیمی با نشان دادن نتایج پژوهش‌هایی مانند (Wood 1997)، (Cambell 1990)، (Cronin 1981) و (Schubert & Glanzel 2006) معتقدند: «مرور پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه نشان می‌دهد که نویسندگان همیشه دلایل منطقی برای استناد به منابع پژوهشی ندارند و تصمیم‌گیری برای استناد به منابع پژوهشی ممکن است ناشی از سایر عوامل تأثیرگذار، همچون «عوامل عاطفی» باشد که تنوعی از این عوامل عاطفی نیز می‌تواند متغیری همچون سوگرفتگی ملی و ملیتی را در استنادها به‌وجود آورد و باعث شود که الگوهای استنادی به سمت‌وسوی دیگری گرایش یابند» (۱۳۸۶). نتایج پژوهش

حاضر نشان می‌دهد که در عمل، سوگرفتگی ملی و ملیتی در استناد به انتشارات ملی ایران توسط پژوهشگران علوم اجتماعی ایرانی مشاهده نمی‌شود؛ یعنی هر چند میزان تولیدات علمی (تعداد نشریات و مقالات)، تعداد پایگاه‌های اطلاعاتی، تعداد دانش‌آموختگان تحصیلات تکمیلی در ایران افزایش یافته است، اما میزان استفاده از انتشارات ملی ثابت مانده است. از این منظر، علم ما به سمت بومی‌شدن نمی‌رود. ممکن است پژوهشگران بهره‌گیری از انتشارات خارجی به‌ویژه انگلیسی زبان را برای بالابردن ارزش کار خود مؤثر بدانند. از جهتی ممکن است که منابع بومی را به اندازه کافی علمی و حاوی ایده‌های جدید و نظریه‌پردازی‌های قوی ندانند.

گرایش به انتشار در منابع انگلیسی و آمریکایی یا استناد به آنها مسئله‌ای است که تحت عنوان سوگیری زبانی مطرح است. تسای و یانگ دریافتند که در حوزه موضوعی مورد توجه آنها ۳۹ درصد مجلات و ۵۰/۶ درصد از مقالات در آمریکا و انگلیس و بقیه به ترتیب در آلمان، دانمارک، سوئیس و هلند منتشر شده‌اند (Tsay & Yang 2005). این نشان از آن دارد که اکثر ادبیات موجود در هر حوزه می‌تواند به زبان انگلیسی باشد. این دریافت را اثر Loria (Arroyo and 2005) تأیید می‌کند. آنها در بررسی گرایش‌های زبانی در پایگاه مدلاین دریافتند که یکی از عوامل، توجه به زبان انگلیسی در غیرانگلیسی‌زبانان جهان سوم، محدودیت میزان مواد منتشره، مهاجرت، و فقدان حمایت کافی از منابع داخلی است.

اما باید توجه داشت که این گرایش زبانی به منابع انگلیسی تنها مربوط به کشورهای جهان سوم نیست. اگر و همکارانش با پژوهش روی آثار پژوهشگران آلمانی در حوزه RCT دریافتند که آنها نتیجه پژوهش‌هایی را که معنی‌داری آماری در آن پایین است، به زبان آلمانی و بقیه را در نشریات انگلیسی زبان چاپ می‌کنند (Egger, Matthias, et al 1997).

فان معتقد است که عدم علاقه به انتشار آثار قوی در منابع غیرانگلیسی‌زبان این است که این مقالات به دلایل متعددی مانند کیفیت پایین یا محدود بودن خوانندگان آنها به‌ندرت مورد استناد قرار می‌گیرند. از این رو، پژوهشگران ترجیح می‌دهند آثار قوی خود را در منابع انگلیسی زبان منتشر کنند و این باعث می‌شود که هر روز موازنه به نفع استناد به

منابع انگلیسی زبان تغییر کند (Fung 2008). از این رو، لازم است سنجیده شود که متخصصان ایرانی حوزه علوم اجتماعی چقدر از آثار خود را در منابع خارجی چاپ کرده‌اند و میزان بهره‌وری مقالات فارسی و انگلیسی این متخصصان از جنبه میزان دریافت استناد مقایسه شود.

برای افزایش توجه به انتشارات ملی، پیشنهاد می‌شود که در ارزیابی‌های علمی و ارزش دادن به آثار پژوهشگران ایرانی در حوزه علوم اجتماعی و انسانی، سازوکارهای لازم ایجاد شود تا آنها در تدوین آثار قوی خود به زبان فارسی راغب باشند و همچنین، نویسندگان آثار فارسی به انتشارات ملی، به ویژه انتشارات به زبان فارسی استناد کنند. لازم است که این نکات نیز در نظر گرفته شود که صرف انتشار مقاله فارسی به معنای تولید فکر و ایده و علم و دانش بومی نیست. چه بسا بسیاری از مقاله‌های فارسی، نسخه تکرار شده پژوهش‌های خارجی باشند. دیگر اینکه، صرف استناد به آثار لاتین نیز به معنای استفاده از دانش غیر بومی نیست؛ چرا که برخی از آن مقاله‌های لاتین می‌تواند نوشته پژوهشگران ایرانی بوده و شاید حاوی دانش و مطالب کاملاً بومی باشند و این نیازمند انجام پژوهش تازه‌ای است تا میزان بومی‌سازی علوم اجتماعی ایران در پژوهش‌های صورت گرفته در این حوزه را که به زبان‌هایی غیر از فارسی به نگارش درآمده‌اند، مورد بررسی قرار دهد.

در حال حاضر میزان شاخص استناد به انتشارات ملی در حوزه علوم اجتماعی به ۰/۲ تقلیل یافته است و باید در سیاست‌گذاری‌های ملی در حوزه بومی‌سازی علم، با توجه به واقعیت‌های موجود، مقدار بالاتری را به عنوان هدف در نظر گرفت. این شاخص از محدود سنج‌های کمی است که می‌تواند گرایش به بومی‌شدن علوم انسانی و اجتماعی را نشان دهد.

۷. فهرست منابع

- ارشاد، فرهنگ. ۱۳۷۸. بومی‌شدن علم و سهم دانشگاه در این جریان. در کتاب، جامعه و فرهنگ انسانی. تهران: وزارت علوم تحقیقات و فناوری.
- آزاد ارمکی، تقی. ۱۳۸۶. علم و مدرنیته/ ایرانی. تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- برزگر، ابراهیم. ۱۳۸۹. رهیافت بومی‌سازی علوم انسانی. فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی ۱۶ (۶۳): ۲۹-۵۳.

- جوکار، عبدالرسول، و سعیده ابراهیمی. ۱۳۸۶. میزان گرایش ملیت‌ها در استناد به تولیدات علمی ایرانیان. *کتابداری و اطلاع‌رسانی* ۴ (۱۰) (مسل ۴۰): ۲۱۳-۲۳۶.
- ذاکر صالحی، غلامرضا. ۱۳۹۲. سنجش‌شناسی دیدگاه نویسندگان ایرانی در زمینه بومی سازی علم. <http://irphe.ac.ir/find.php?item=26.532.646.6a> (دسترسی در ۱۳۹۳/۰۶/۳۱).
- سلیمی کوچی، ابراهیم. ۱۳۹۱. امکان چاره‌جویی و تمهیداندیشی برای رفع موانع بومی سازی علوم انسانی. *ماهنامه مهندسی فرهنگی* ۶ (۶۷): ۵۸ و ۶۷-۷۸.
- فاضلی، نعمت‌الله. ۱۳۸۸. گفت‌وگو با مسئله بومی: مسئله بومی سازی علوم اجتماعی از رویکرد مطالعات فرهنگی. *مجله مطالعات اجتماعی ایران* ۱ (۳): ۸۴-۹۶.
- فراهانی، حسن. ۱۳۸۸. بومی سازی علم یا تولید علم. معرفت ۱۸ (۱۴۶): ۱۰۴-۹۳.
- فکوهی، ناصر، و مرضیه ابراهیمی. ۱۳۸۸. دایاسپواری علمی ایرانی و نقش آن در بومی سازی علوم اجتماعی در ایران. *مجله مطالعات اجتماعی ایران* ۳ (۱): ۱۳۸-۱۱۱.
- نراقی، احسان. ۱۳۸۲. آنچه خود داشت. تهران: انتشارات چاو.
- هانینگتون، ساموئل. ۱۳۷۹. نقش قدرت، فرهنگ و بومی سازی سایر جوامع در افول قدرت غرب. ترجمه ابراهیم متقی. نامه مفید ۲۱: ۳-۴۰.
- یونسیان، مجید. ۱۳۸۰. بومی سازی دانش اجتماعی. *کتاب ماه علوم اجتماعی* ۴۳ و ۴۴: ۴۲-۴۶.
- Brice, L. J., & Bligh, J. G. 2004. How international is medical education? *Medical Education* 38 (1): 96-102.
- Cambell, F. M. 1990. National bias: a comparison of citation practices by health professionals. *Bull Med Libr Assoc* 78 (4): 376-382.
- Cole, F. J. and N. B. Eales. 1917. The History of Comparative Anatomy. *Science Progress* 11: 578-596.
- Egger, M., T. Zellweger-Zähner, M. Schneider, C. Junker, C. Lengeler, & G. Antes. 1997. Language bias in randomized controlled trials published in English and German. *The Lancet* 350 (9074): 326-329.
- Fung, I. C. 2008. Citation of non-English peer review publications; some Chinese examples. *Emerging Themes in Epidemiology* 5 (1): 12.
- Pasterkamp, G., J. I. Rotmans, D. V. de Kleijn, & C. Borst. 2007. Citation frequency: A biased measure of research impact significantly influenced by the geographical origin of research articles. *Scientometrics* 70 (1): 153-165.
- Grange, R. I. 1999. National bias in citations in urology journals: parochialism or. *BJU International* 84: 601-603.
- Inhaber, H. M. Alvo. 1978. World science as an input-output system. *Scientometrics* 1(1): 48-51.
- Loria, A., & P. Arroyo. 2005. Language and country preponderance trends in MEDLINE and its causes. *JMLA* 93 (3): 381.
- Narin, F., & M. P. Carpenter. 1975. National publication and citation comparisons. *JASIS* 26 (2):

80-93.

Schubert , A. , W. Glanzel, B. Thijs. 2006. The weight of author self-citations. A fractional approach to self-citation counting. *Scientometrics* 67 (3/2): 503-514.

Tsay, M. Y., & Y. H. Yang. 2005. Bibliometric analysis of the literature of randomized controlled trials. *JMLA* 9 (4): 450.

Tsuchiya, T. 2008. Japanese researchers' usage behaviors of international and national journals in oncology. Available at:
<http://www.adbs.fr/servlet/com.univ.collaboratif.utils.LectureFichiergw?> Retrieved at: 20 my 2014.